

جوانان آذربایجانی خواستار محاکمه

حسن آیت شدند

هدشار میدهم. آگاه باشید و بدانید ملت ایران دوست و دشمن خود را بخوبی شناخته و همچنانکه با شرق و غرب سازش ندارد با شما نیز سازش نخواهد کرد. جنابعالی که در متن دو نوار خود چندین بار از تبریز و برنامه‌های که در آنجا دارید نام برده‌اید، تبریزی که همواره پیشرو انقلاب و راه‌گشای پیروزی انقلاب بوده است هیچ زمانی در برنامه‌های وابسته بازی شما شرکت ننموده و نخواهد

از سوی گروهی از جوانان تبریز نامه‌ای به روزنامه پیام جبهه ملی رسید که طی آن موضع خود را در مقابل توطئه حسن آیت اعلام کرده‌اند. در این نامه چنین آمده است: ما جوانان آذربایجانی مقیم تهران بدینوسیله پشتیبانی خود را از جمهوری اسلامی ایران به ریاست

شمس قنات آبادی ها و سید مهدی میر اشرفی های دوران انقلاب را بشناسید

حسن آیت توطنه گری که میخواهد اسلام و ملیت ایرانی را رویاروی هم قرار دهد

● حسن آیت دبیر سیاسی حزب جمهوری اسلامی است
● اوقلا عضو حزب دکتر بقائی کرمانی و در رابطه با عوامل کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بود است

انتشار نوار سخنان حسن آیت بعنوان توطئه برای سقوط رئیس جمهوری منتخب ملت با زتاب گسترده‌ای در همه محافل سیاسی و قشرهای مختلف مردم داشته است. همه دریافته‌اند که علت ناسا مانیهای پانزده ماهه بعد از انقلاب چیست و چه کسانی با سوء استفاده از موقعیتی که بعد از انقلاب بدست آورده‌اند در صددند نظام قانون جمهوری اسلامی را برهم ریزند و حکومت استبدادی جدیدی را جایگزین نظم شاهنشاهی قبل نمایند. گرچه نتایج انتشار سخنان حسن آیت در میان مردم بسیار سازنده و مفید بود و همگان دریافته‌اند

دکتر مدنی: نفت، بالاترین سرمایه ایران در حال از بین رفتن است

آنچه دکتر مدنی بشرح مفصلی از تاریخ شناسی بشر از نفت از آغاز تا امروز پرداخت و سپس اضافه نمود: از لحاظ خطا کاری و کج روی، ظلم کردن، استثمار کردن و استثمار شدن مساویست از لحاظ کج روی و خطا هم ما خطا کار بودیم که ظلم را پذیرفتیم و استثمار را پذیرفتیم و هم آفریننده خطا کارند که خطا کردند و استثمار کردند و سوداگری کردند. هر چه بود اینها برای اینکه ماشین صنعتی شان را به حرکت بیندازند، برای اینکه بیشتر سود ببرند، در آن چرخش‌ها تکیه داشتند در راه اقتضای بویای آزمائشان نیاز به مواد سوختنی داشتند. مهمترین مواد، نخستین مواد انرژی زا بود و این بود که راهی ایران و خاور میانه شدند و ایران از نخستین کشورهای است که به اینها مبتلا شد و بیش از صد سال است که از این دوران استثمارگری ایران بوسیله اروپائیان که نخستین‌شان انگلیسی‌ها بودند میگذرد، قراردادی بر ایران تحمیل شد

دکتر سید احمد مدنی نماینده منتخب مردم کرمان در مجلس شورای ملی در مراسم سالروز خلع ید که در تشریفات مرکزی جبهه ملی ایران باشکوه فراوانی برگزار شد سخنرانی مسبوطی ایراد کرد. دکتر مدنی پس از ذکر مقدمه‌ای اظهار داشت: سخن را بمناسبت روز، پیرامون داستان نفت بگشایم و خوب میدانید که بمناسبت امروز سخن بسیار است. هم پیرامون رهبر عظیم الشان ملت شادروان دکتر محمد مصدق، هم بمناسبت سالروز شهادت معلم شهید شادروان دکتر علی شریعتی، هم سالروز خلع ید که در تاریخ ایران درخشندگی خاصی دارد. و برای اینکه یک خورده بهتر عنوان شده باشد که چه کاری این مرد بزرگ کرد در عرصه گیتی چه عظمتی داشت این گامی را که در خلع ید برداشت، تاگزیرم داستان نفت را از آغاز تا امروز باختصار و گذری و نظری و کوتاه سخنی و سپس اشارتی بذخائر انرژی ایران یادآور بشوم.

سیاسی و اجتماعی ۳۰ ساله اخیر نه‌بسی سابقه‌است و نه خلاف انتظار. وحالا هم با گرمی تابان تابستان تهران اسباب نوار لازم دیدند یکبار دیگر آهنگ قدیمی و کهنه را بنوازند و انواع فحش و ناسزا را نثار جبهه ملی ایران نمایند باشد که به بازار کساد تظاهر بدیانت و انقلابی نمائی گرمسا و رونق بخشند! و شاید به درماندگی و فضاخت جنگ‌های درونی و تضادهای ناشی از حقارت و قدرت طلبی‌ها سرپوش نهند و افکار عمومی ملت هوشمند ایران را از بین بست‌هایی که دچارند بجائی دیگر و راهی دیگر معطوف دارند و در میان انواع لاپلاکات و دروغ پردازیها این مدعیان اسلام و دیانت محمدی (ص) یک نکته هست که قدیم است و تازه‌گی ندارد. آقایان که در میان انواع هنرها از گردش ۱۸۰ درجه برآست و چپ، از ترمویض سریع آرایش و لباس بر حسب ضرورت از دروغ پردازی و جعل از تحریف و تزویر استادان چیره‌دست و بی نظیری می‌توانند باشند ظاهرها "در هنر ابداع خطوط و خط شناسی نیز بدیضائی یافته‌اند! و در باره خط جبهه ملی ایران حرفهائی دارند. که گویا خط جبهه ملی ایران باین سیاست و یا آن سیاست مربوط است و گفتارهای هذیان گونه و خزعلاتی از این دست.

آنچه دکتر مدنی بشرح مفصلی از تاریخ شناسی بشر از نفت از آغاز تا امروز پرداخت و سپس اضافه نمود: از لحاظ خطا کاری و کج روی، ظلم کردن، استثمار کردن و استثمار شدن مساویست از لحاظ کج روی و خطا هم ما خطا کار بودیم که ظلم را پذیرفتیم و استثمار را پذیرفتیم و هم آفریننده خطا کارند که خطا کردند و استثمار کردند و سوداگری کردند. هر چه بود اینها برای اینکه ماشین صنعتی شان را به حرکت بیندازند، برای اینکه بیشتر سود ببرند، در آن چرخش‌ها تکیه داشتند در راه اقتضای بویای آزمائشان نیاز به مواد سوختنی داشتند. مهمترین مواد، نخستین مواد انرژی زا بود و این بود که راهی ایران و خاور میانه شدند و ایران از نخستین کشورهای است که به اینها مبتلا شد و بیش از صد سال است که از این دوران استثمارگری ایران بوسیله اروپائیان که نخستین‌شان انگلیسی‌ها بودند میگذرد، قراردادی بر ایران تحمیل شد

دکتر سید احمد مدنی نماینده منتخب مردم کرمان در مجلس شورای ملی در مراسم سالروز خلع ید که در تشریفات مرکزی جبهه ملی ایران باشکوه فراوانی برگزار شد سخنرانی مسبوطی ایراد کرد. دکتر مدنی پس از ذکر مقدمه‌ای اظهار داشت: سخن را بمناسبت روز، پیرامون داستان نفت بگشایم و خوب میدانید که بمناسبت امروز سخن بسیار است. هم پیرامون رهبر عظیم الشان ملت شادروان دکتر محمد مصدق، هم بمناسبت سالروز شهادت معلم شهید شادروان دکتر علی شریعتی، هم سالروز خلع ید که در تاریخ ایران درخشندگی خاصی دارد. و برای اینکه یک خورده بهتر عنوان شده باشد که چه کاری این مرد بزرگ کرد در عرصه گیتی چه عظمتی داشت این گامی را که در خلع ید برداشت، تاگزیرم داستان نفت را از آغاز تا امروز باختصار و گذری و نظری و کوتاه سخنی و سپس اشارتی بذخائر انرژی ایران یادآور بشوم.

سیاسی و اجتماعی ۳۰ ساله اخیر نه‌بسی سابقه‌است و نه خلاف انتظار. وحالا هم با گرمی تابان تابستان تهران اسباب نوار لازم دیدند یکبار دیگر آهنگ قدیمی و کهنه را بنوازند و انواع فحش و ناسزا را نثار جبهه ملی ایران نمایند باشد که به بازار کساد تظاهر بدیانت و انقلابی نمائی گرمسا و رونق بخشند! و شاید به درماندگی و فضاخت جنگ‌های درونی و تضادهای ناشی از حقارت و قدرت طلبی‌ها سرپوش نهند و افکار عمومی ملت هوشمند ایران را از بین بست‌هایی که دچارند بجائی دیگر و راهی دیگر معطوف دارند و در میان انواع لاپلاکات و دروغ پردازیها این مدعیان اسلام و دیانت محمدی (ص) یک نکته هست که قدیم است و تازه‌گی ندارد. آقایان که در میان انواع هنرها از گردش ۱۸۰ درجه برآست و چپ، از ترمویض سریع آرایش و لباس بر حسب ضرورت از دروغ پردازی و جعل از تحریف و تزویر استادان چیره‌دست و بی نظیری می‌توانند باشند ظاهرها "در هنر ابداع خطوط و خط شناسی نیز بدیضائی یافته‌اند! و در باره خط جبهه ملی ایران حرفهائی دارند. که گویا خط جبهه ملی ایران باین سیاست و یا آن سیاست مربوط است و گفتارهای هذیان گونه و خزعلاتی از این دست.

بقیه در صفحه ۴

خط جبهه ملی!

خط ملت ایران است!

تنها «مغر صین» قادر به خواندن این خط نیستند

..... تحریک علیه جبهه ملی ایران در طول حیات سیاسی و اجتماعی ۳۰ ساله اخیر نه‌بسی سابقه‌است و نه خلاف انتظار. وحالا هم با گرمی تابان تابستان تهران اسباب نوار لازم دیدند یکبار دیگر آهنگ قدیمی و کهنه را بنوازند و انواع فحش و ناسزا را نثار جبهه ملی ایران نمایند باشد که به بازار کساد تظاهر بدیانت و انقلابی نمائی گرمسا و رونق بخشند! و شاید به درماندگی و فضاخت جنگ‌های درونی و تضادهای ناشی از حقارت و قدرت طلبی‌ها سرپوش نهند و افکار عمومی ملت هوشمند ایران را از بین بست‌هایی که دچارند بجائی دیگر و راهی دیگر معطوف دارند و در میان انواع لاپلاکات و دروغ پردازیها این مدعیان اسلام و دیانت محمدی (ص) یک نکته هست که قدیم است و تازه‌گی ندارد. آقایان که در میان انواع هنرها از گردش ۱۸۰ درجه برآست و چپ، از ترمویض سریع آرایش و لباس بر حسب ضرورت از دروغ پردازی و جعل از تحریف و تزویر استادان چیره‌دست و بی نظیری می‌توانند باشند ظاهرها "در هنر ابداع خطوط و خط شناسی نیز بدیضائی یافته‌اند! و در باره خط جبهه ملی ایران حرفهائی دارند. که گویا خط جبهه ملی ایران باین سیاست و یا آن سیاست مربوط است و گفتارهای هذیان گونه و خزعلاتی از این دست.

تاریخ شهادت میدهد که نهضت ملی ایران با طبیعت ضد استبدادی و ضد استعماری برهبری آن چهره شریف و انسان بزرگوار و آزاده تاریخ صد ساله اخیر ایران مصدق را می‌گوئیم آغاز شد و خط این جهاد عظیم ملی ترسیم گردید و یک فلسفه و جوهر داشت مبارزه با مفهوم استعمار و استبداد و وابسته بهر صورت و هر شکل و از هر کجا. و دشمن درکنام اهریمنی خود با احساس خطر از زیر جریان اصل و غیر قابل انحراف و ابتیاع همه امکانات خود را بمیدان کشید که از جمله آن بسیج همه عوامل خود در تخطئه و توهین به این ماجرای کامل "ایرانی تاریخ ایران بود.

مؤلفین چپ فرمان یافتند که به مصدق و جبهه ملی ایران هجوم برند و سلاح آنها اتهام آمریکائی بودن نهضت بود. بر پژوهندگان راه حقیقت و بر جوانانی که ممکن است آن روزگار را بیاد نیاورند چنین واجب است که بردارند و صفحات بی‌شمار نشریات این گروه را مرور دیگر بنمایند تا ریشه‌های این اتهام و این دروغ که جز سرمایه‌داران غرب و انحصارات بزرگ مالی آن سرزمین نبودند شناخته شود و جالب اینکه این چپ‌نمایان که نهضت ملی ایران و دکتر محمد مصدق را به بهانه آمریکائی بودن مورد حمله و هجوم قرار داد بودند خود سوری به آن آخوربند داشتند و اسنادش موجود و دلالتش میرهن.

دست راست دشمن که تبلور آن در امپریالیسم مشترک آمریکا و انگلیس دیده میشد نیز بیکار نبود آنها هم با حربه دوم بکار مبارزه علیه این نهضت اصرار گرم بودند، مصدق و جبهه ملی ایران متهم بحمايت از وابستگی به شرق کمونیست می‌شدند و پراست مطبوعات آنها از این ردیف افترا و دروغ و جالب اینکه همین دشمن برای القاء انواع سوء ظن و سوء تفاهم در باور خلق نعل‌وارونه میزد، در حالیکه دکتر مصدق و یارانش گرم نبردی سهمگین با استعمار بین‌المللی بودند نهضت اصیل و نجیب مردم این سرزمین و توده‌های زحمتکش این سرزمین را آمریکائی می‌خواندند! گرچه خواهی کم‌کننده تر کنی - ترکمانا نعل‌وارا و رونه زن ولی جریان وقایع و حقایق حوادث تاریخ را بگونه دیگر ثبت کرد، حکومت مصدق با دسیسه و توطئه سازمانهای جاسوسی آمریکا و انگلیس و همکاری و همدستی عوامل و ایادی داخلی‌شان ساقط شد و هم آنها امروز در پشت پرده انتقام انتحار سیاسی خودشان را از یاران همراهان هم‌زمان دکتر مصدق می‌نگرند چگونه؟ آیتنی از آيات ابتدال و سقوط! . . .

بقیه در صفحه ۴

آقای علی اصغر حاج سیدجوادی چرا ساکت نشسته‌اید؟

مدتی است جنبش به خاموشی گرائیده است. آقای علی اصغر حاج سیدجوادی در روزنامه‌های بعد از انقلاب و در جو شدت و برهم ریختگی موقف شده‌راه عده‌ای از نویسندگان آگاه و مبارز مجموعه مفیدی بعنوان نشریه جنبش بطور هفتگی به جامعه عرضه کند. در ماه‌های قبل از انقلاب نیز نوشته‌های علی اصغر حاج سیدجوادی دست بدست میگشت و در تشجیع مردم به توسعه مبارزات انقلابی علیه رژیم شاهنشاهی تا تیرسزائی داشت.

بیانیه جمعیت حقوقدانان ایران آقای رئیس جمهور به مطبوعات توقیف شده کمک کنید

جمعیت حقوقدانان ایران با انتشار بیانیه‌ای خطاب به دکتر ابوالحسن بنی‌صدر رئیس‌جمهوری ایران، خواستار کمک به مطبوعات توقیف شده گردید. در این بیانیه آمده است: جناب آقای بنی‌صدر ریاست جمهوری اسلامی ایران مجاری توقیف روزنامه ندای آزادی طی بیانیه‌ای باستحضار همگان و از جمله این جمعیت رسیده است. در این بیانیه آمده است که روزنامه مذکور علی‌رغم آنکه دارای اجازه انتشار قانونی است توسط دادستان انقلاب و بدلیل انتشار مصاحبه‌ای که با حجت‌الاسلام شیخ علی - تهرانی داشته است توقیف گردید. در این بیانیه آمده است: گردید و مزید بر توقیف روزنامه یکی از کارکنان عادی روزنامه نیز بر زندان افتاده است تا آنکه دارنده امتیاز خود را معرفی نماید. آنچه که در بیانیه مذکور آمده تاثر انگیز و تکان دهنده است و صرف نظر از اینکه روزنامه ناشر افکار چه گروهی است

بقیه در صفحه ۴

جاهی که بعضی از متولیان سیاسی و بعضی از مفسران رادیویی برای منتقدان صدیق و دلسوز و علاقه‌مند به حفظ حیثیت انقلاب کهنه بودند بالاخره خودشان را هم بیدار انداخت...

بهبانہ آقایان انتقاداتی بود که از بعضی نارسائی‌ها و ناهنجاریها در برخی از نهاد های انقلابی چاپ می‌کردیم و داستان طنزآمیزی را هم که نامی از هیچ مقام و منصب و شخصیت حی و حاضر در آن وجود نداشت به کرامت خود ضمیمه فرمودند و مجموع این نوشته ها را توهین به انقلاب و رهبران انقلاب قلمداد کردند...

یک داستان طنز آمیز بود که مفسران مطبوعاتی رادیو با تعبیر و تفسیر پر سرو صدای خویش آنرا "توهین" تلقی کردند و متأسفانه بعضی از مقامات قضائی را نیز تحت تأثیر قرار دادند...

برای خالی نبودن عریضه و ثبت در تاریخ

من حفر برالاحیه وقع فیه چاهکن همیشه ته چاهست محمود عنایت

شده بودند عمل آن مفسرین که نوشته مندرج در مجله ای با تیراژ محدود را در بوق و کرنا گذاشتند خطای بزرگتری محسوب میشد، چون بعضی‌ها یک سخن لغو و باطلی هم در مجله‌ای تندی آنرا میخواندند وقتی شما مطلب را برای میلیون‌ها شونده نقل می‌کنید عملاً "به تبلیغ و اشاعه باطل کمک کرده‌اید و قبح باطل را هم از بین بردارید پاپوش دیگری که برای ما دوختند این بود که چرا نوشته ایم مواظب بعضی نهاد های انقلابی و از آن جمله کمیته ها باشید که عناصر ناباب در

روز بزرگتر و بارزتری خلق روز بروز شدیدتر شود. کسانی به انقلاب لطمه می‌زنند که با علم باینکه یک داستان یا یک مقاله نمیتواند نظام استوار یک انقلاب را از هم بپاشد، مطبوعات را به همین دستاویز آماج خشم مراجع قدرت قرار میدهند و باز با علم باینکه جمیع اعمال و احوال موجود برای روحانیت گذاشته میشود از تشدید ناراضی مردم پروائی ندارند. آنها کمال مطلوب خود را در این میبینند که مردم عدم کفایت و ضعف و ناتوانی رئیس جمهور را لمس کنند و کسی هم جرئت نکند که زنگ خطر را بصدادرآورد و همگی ما فقط ناظران خاموش تراژدی هولناکی باشیم که به سقوط و انحطاط ما منجر میشود. کسانی که انقلاب لطمه می‌زنند که وقتی شخص امام در آستانه انتخابات ریاست جمهوری میگویند: "رئیس جمهور هرکس باشد با او همکاری کنید"، در خفا و در خلوت به کنگاش می‌نشینند "و آن کار دیگر میکنند" و اعوان و انصارشان هم در کمین می‌نشینند و گمان می‌کنند و ذره بین می‌اندازند تا هر خطای کوچکی را بزرگ کنند و بهانه‌ای برای سرکوبی و سخت گیری و اختناق بوجود آورند. نه آقایان! اگر واقعا "وصیمانه دوستدار انقلاب و علاقه مند به این مملکت هستید شما که در رابطه با خطای خودتان دیگران را به صبر و حق و گذشت توصیه

تاریخ چماق و چماق‌داری در ایران!

استقلال (؟) و مدیر روزنامه آزاد را بریاست جمهوری انتخاب نمودند که البته بدلتش از هر چه فکر می‌کنید بیشتر مستعجل بود زیرا فردا صبح که مردم سر از بستر برداشتنده شهری پر از اختناق و فشار و بدون روزنامه یافتند که قوام السلطنه نخست‌وزیر بود و به "قلع و قمع ماده فساد" مشغول بود. دیگران مواردی که چشم به جمال چماق‌داران که خیلی خیلی "دموکراتیک" بودند روشن‌شو نزدیک بود روزگار من و دوستانم نیز تیره و تار شود. در غازیان بندرپهلوی در سال ۱۳۲۴ بود که نوروز آسالم گروهی از یاران حزب ایران به سرپرستی دکتر ابراهیم عالمی استاد دانشکده حقوق برای یک گردش نوروزی و دید بازدید حزبی و گشایش‌شبه حزب در بندر انزلی (پهلوی سابق) بروشت و سپس روز بعد به بندر مذکور عزیمت نمودیم. هنگامیکه نزدیک غروب با اتوبوس وارد میدان شهر شدیم با گروهی از چماق‌داران حزب توده مواجه شدیم که نخست با شاور و سپس با دشنام و ناسزا علیه ما به تظاهرات پرداختند و بالاخره چماق بدست بسوی ما که تازه از اتوبوس پیاده میشدیم روانه شدند و نزدیک بود که جنگ یکطرفه بفتح مبارزان ضد استعمار مظلوم شود و خدا رحم کرد که آن زمان (ژ-ت) و این حرف‌ها نبود و گرنه از همان سوی میدان تانت... تق و حساب همه‌مان پاک بود در آن سفر تاجیکه بیاد دارم علاوه بر آقای دکتر عالمی، آقایان ناصر نجمی، مهندس نظام‌الدین موحّد، موسوی و گروهی دیگر از هم مسلکان همراه بودند. بامداد فردا که سه فرمانداری رفتیم، چون فرماندار و رئیس شهربانی و شهردار از

سر در گمی اقتصادی

دیگری را ضربه فنی کرد و با وساطت ریاست جمهوری بقیه امور فعلاً ساکت ماند تا فکر اساسی بشود. آنروزها یکی میگفت مردم، خرید قیمت‌ها به صفر میرسد. دیگری میگفت اگر تا زمستان (۵۸) من مسئله مسکن را حل نکردم مرا فلان آقایان محترم الوعد موفّا، هزار دلیل و برهان می‌آورند که، بما اختیار و امکانات ندادند آخر، برادر جان، آنها تیکه در علم اقتصاد درجه اجتهاد داشتند چنین ادعائی نکردند که باین زودی مسئله را حل کنند. با این رشد جمعیت و ازدواجها و مولید منهای فوت، کوچ منهای خروج، استهلاک ساختمانهای قدیمی، کمبود امکانات، مصالح، آب برق، خدمات، کاهش تولید و... با چه فرمولی و از چه باوری میفرمائید تا فلان موقع درست میشود؟ مگر آقای رئیس جمهور که در اقتصاد صاحب نظر است نکفت که چنین میشود؟ این گونه اظهارات سلب اعتماد عمومی را فراهم می‌آورد. با همان بیانات، عده‌ای ساده دلو و معتقد باین دروغ‌ها مسکن خریدند تا مگر هر چه بیشتر حلقوم بساز و بفروش‌های آتچنانی و سرمایه‌داران جهان وطن را بشارند. غافل از اینکه اگر قیمت زمین به صفر برسد، تکلیف‌آین بانکهای که باینهمه اعتبار با توثیق زمین‌ها داده‌اند و طرف فرار کرده و برده چه میشود؟ خلاصه در این خیال خام خیلی‌ها حتی از کارمندان بانکها امید سالیان دراز خود یعنی وام را معلق گذاردند تا خوب زمین‌خوران را بجلانند. که ناگهان یک ضرب‌الاجل یک ماهه اسفند ۵۸ همه متقاضیان وام را برای اجبار در خرید مسکن بوحشت‌انداخت فروشنده زیرک و بیدار که از این تئیب و فرازها زیاد دیده بود دم به تله نداد و زیر قولنامه‌ها زد. حالا نوبت جویدن خرخره خریدار فرا رسیده. هر چه مهلت رو بانام است نوبت را بالاتر میبرند. بقیه در صفحه ۳

ضمیمه فاشیسم

روزگاری زمین مال خدا بود. حالا هم هست ولی بندگان خدا باید متری... تومان بخرند ولی نه از خدا بلکه از یک‌بنده پولدار خدا. روزگاری رادیو تلویزیون و مطبوعات در خدمت آقای خسروشاهی و آقای شهردار بود، که بر اثر برهم خوردن موازنه قدرت داخلی چند صباحی قیمت‌ها نزول اجلال فرمودند. البته عوامل دیگری هم مثل عدم امنیت زمین‌خواران و سرمایه‌داران جهان وطن‌خشم ملت... باین امر کمک کرد. از جمله بعضی نهاد های انقلابی مسکن و بنیادهای دیگر. خلاصه در آن گیرودار آنقدر طرفین فریاد زدند که باعث عقب نشینی و فسرار ملائکین شد و توتی و سر مال خدا زدند که روزی قیمت آن به صفر برسد. صاحب زمین هم گماز ترس خشم ملت و از ترس انتقام سالیان دراز ظلم و ستم به خارج از کشور گریخته بود. در حسرت آن بود که چرا زمین را هم با خود به خارج نبرده است. متولیان حل مسئله مسکن با هم در "مالک الرقابی" آن رقابت میکردند. بالاخره یکی

دلهره و نگرانی ملت در قبال حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشور

ارتش منظم یا شبه نظامی!

دکتر پرویز ورجاوند در بخش دوم سخنرانی خود که در سمینار امنیت و دفاع ملی ایراد می‌گردد خاطر نشان ساخت: شکل و محتوای یک ارتش ملی در رابطه با موقع جغرافیایی، موضع سیاسی و امکانات اقتصادی و ویژگیهای فرهنگی هر سرزمین، تعیین میگردد.

این روزها صحبت از این است که ما بیائیم و در زمینه نیروی ارتش بر ارتشهای شبه نظامی تکیه کنیم، این موضوع در رابطه با ایجاد یک حرکت در جامعه و ایجاد شور و شوق در تمامی مردم بمنظور احساس مسئولیت شدید در قبال تمام مسائل دفاعی و حراست از آزادی و استقلال سرزمینشان، مسئله ایست بسیار جالب، مهم و اساسی، اما از یاد نبریم که متأسفانه این روزها روحیه دخالت در قبال مسائل علمی و تخصصی بصورت بیمارگونه در این جامعه دارد نضج میگیرد و خیلی ها بخود اجازه میدهند تا بعنوان دلسوزی و یافردی متعهد بانقلاب در بسیاری از زمینهها بدون داشتن بضاعت لازم اظهار نظر کنند. هم اکنون ما شاهد آنیم که گروههایی در جامعه ایران در باره چگونگی ارتش تعیین تکلیف میکنند. این گروهها برخی ملی معتقدند و علاقتند باین مملکت هستند و میخواهند و میکوشند که این سرزمین روی پای خودش بایستد و مستقل باشد. گروه هائی نیز با برنامه ریزی های معین و حساب شده قصد دارند تا در لباس جانبداری از خلق کشور و قدرتهائی که در مجاورتش حضور دارند، در تعیین دکترین نظامی و دفاعی آن سرزمین نقش بنیادی دارند. مشکل بزرگی که ما در سرزمینمان در قبال ارتش داشتیم این بود که مسئله ایست بسیار حساس و پیچیده که، اظهار نظر روشن در باره آنها نیاز به تخصصی های لازم دارد و شعارگونه نمی توان بآن پرداخت. زیرا که شکل و محتوای یک ارتش ملی از سویی با موقع و شرایط جغرافیائی توان اقتصادی، فضای سیاسی و ساخت جامعه، فرهنگ حاکم بر آن سرزمین و دیگر نمودهای اجتماعی جامعه در پیوند و رابطه است و از سوی دیگر با ویژگی های خاص یک سازمان نظامی، تکنولوژی جنگ افزارها و دکترین های نظامی دیگر سرزمینها، امری است که نیاز به متخصصان آگاه و صاحب نظر دارد. اگر همه صحبت از این میکنند که در ویتنام نیروهای چریکی ارتش متجاوز و ددمنش آمریکا را به زانو در آوردند، باید شرایط جغرافیائی این سرزمین را مورد توجه قرار دهند. باید دید ویتنام چگونه سرزمینی است باید دید جنگلهای انبوه این سرزمین آشنائی داشت، باید اوضاع جوی و اقلیمی آن از جمله بارانهای سیل آسای تراشناخت از نحوه توزیع جمعیت در سطح آن کشور و بالاخره امکان عبور از مرزها و بهره مند بودن از راه های تعدیه تجهیزات لازم از خارج را مورد نظر قرار داد، تا آنوقت ببینیم که چه عواملی

دخیل بود تا در این سرزمین یک ارتش چریکی که در عین چریک بودن از یک نظم منطقی و از یک بافت منسجم نیز برخوردار بود پیروزی بدست آورد و توانست یک چنین قدرتی را از پا در بیاورد.

آیا سرزمین ایران با بسیاری از بخشهای صحرائی کویری و پراکنده و فاصله بخشهای مسکونی اش و وضع اقلیمی نیمه خشک میتواند پاسخوی شایسته دفاع چریکی در تمامی زمینهها باشد؟

آیا پذیرفتن دفاع چریکی و تنها تکیه کردن به نیروی شبه نظامی، بآن مفهوم نیست که اجازه دهیم دشمن تا پشت شهرهای این سرزمین پیش بیاید و آنوقت ما کوچکی بکوچه بگردیم و با آنها دست بگریبان بشویم؟

منطق دفاع نظامی و دفاع ملی در سرزمین ما حکم میکند تا به امر تکیه کردن بر ارتش منظم ارج فراوان به نهمیم. از یاد نبریم که وضع و موقع جغرافیائی، موقعیت سوق الجیشی و وضع ارتباطی هر کشور و قدرتهائی که در مجاورتش حضور دارند، در تعیین دکترین نظامی و دفاعی آن سرزمین نقش بنیادی دارند. مشکل بزرگی که ما در سرزمینمان در قبال ارتش داشتیم این بود که مسئله ایست بسیار حساس و پیچیده که، اظهار نظر روشن در باره آنها نیاز به تخصصی های لازم دارد و شعارگونه نمی توان بآن پرداخت. زیرا که شکل و محتوای یک ارتش ملی از سویی با موقع و شرایط جغرافیائی توان اقتصادی، فضای سیاسی و ساخت جامعه، فرهنگ حاکم بر آن سرزمین و دیگر نمودهای اجتماعی جامعه در پیوند و رابطه است و از سوی دیگر با ویژگی های خاص یک سازمان نظامی، تکنولوژی جنگ افزارها و دکترین های نظامی دیگر سرزمینها، امری است که نیاز به متخصصان آگاه و صاحب نظر دارد. اگر همه صحبت از این میکنند که در ویتنام نیروهای چریکی ارتش متجاوز و ددمنش آمریکا را به زانو در آوردند، باید شرایط جغرافیائی این سرزمین را مورد توجه قرار دهند. باید دید ویتنام چگونه سرزمینی است باید دید جنگلهای انبوه این سرزمین آشنائی داشت، باید اوضاع جوی و اقلیمی آن از جمله بارانهای سیل آسای تراشناخت از نحوه توزیع جمعیت در سطح آن کشور و بالاخره امکان عبور از مرزها و بهره مند بودن از راه های تعدیه تجهیزات لازم از خارج را مورد نظر قرار داد، تا آنوقت ببینیم که چه عواملی

دکترین نظامی در رابطه و پیوند با منافع ملی ایران طرح ریزی نشده بود. مشکل این بود که ارتش منظم رژیم شاه برای اینکه پاسخوی دفاع از منافع ملی ما باشد نظام نیافته بود. این ارتش مثل تمامی نهادهای دیگر جامعه ایران در مجموعه قرار داشت که کل آن مجموعه در خدمت قدرتی بود که در راستای منافع ملت عمل نمیکرد

بنابراین ما یک دکترین نظامی منطبق با شرایط و منافع میهنی خود نداشتیم که بتوانیم بگوئیم در این دکترین نظامی مسئله دفاعی تحت چه ضوابطی مطرح بود. در آن زمان اساس دفاع ارتش ما در این امر خلاصه میگشت که چگونه این ارتش منظم قدرت این را پیدا کند که در یک درگیری بزرگ جهانی بتواند با انجام عملیات تخریبی موجبات آنرا فراهم سازد تا آمریکا و دیگر قدرتهای غربی خودشان را مجهز کنند و به مقابله برخیزند. بعبارت دیگر سرزمین ما و ارتش ایران بمنزله حلقه زنجیری در سلسله زنجیر دفاعی غرب بشمار می آمد و بیس.

آنچه مهم و اساسی است این است که با دگرگونی بنیادی که پس از پیروزی انقلاب کلیه مسائل حیاتی این ملت بوجود آمده است. ملت ما میخواهد بر روی پای خودش بایستد و برای استقلال و حفظ هویت و

شخصیت و اعتبار خودش تلاش میکند. در چنین وضعی بر کلیه نظامیان و دیگر متخصصان در زمینههای مختلف فرض و وظیفه است که واقعیتهای سرزمینشان را در تمامی ابعاد آن مورد مطالعه و بازبینی مجدد قرار دهند و در رابطه با مسائل منطقه ای و جهانی برای ارتش ملی ایران دکترین معین و مشخصی را وضع و تنظیم نمایند.

بعبارت دیگر باید بدانیم که جهت و خط کار ارتش در دوران بعد از انقلاب در راستای پاسخوئی به نیازهای جامعه ایران باید دگرگون شود، باشد که با اقبال و اعتماد ملت مواجه شود.

در مورد اینکه برای گزینش یک دکترین نظامی آگاهانه و ملی باید از تمامی ویژگیهای یک سرزمین و مردم آن شناخت و آگاهی داشت، جسارت می کنم و در محضر برادران صاحب نظر نظامی خود به ذکر یکی دو مثال می پردازم:

شما ملاحظه میفرمائید که در جنگ دوم جهانی از حدود ۱۹۴۱ تا نیمه ۱۹۴۲، طی ۱۸ ماه، روسیه با توجه به شرایط خاص سرزمینش دست به تهیه امکانات جنگی زد. در طول این مدت قسمتهای بسیاری از سرزمین روسیه و حوزه نفوذ آن بتصرف آلمان نازی درآمد.

ولی پس از آمدگی یورش را آغاز کرد و سرانجام همانطور که آگاهی دارید پیروزی را به دست آورد. ولی آیا این دگرگونی جنگی را کشور فرانسه هم می توانست بمرحله اجرا در آورد؟ آیا محدودیت سرزمین فرانسه، شرایط خاص جغرافیائی

فرانسه بآن اجازه میداد که بگذارد نیروی دشمن داخل بیاید و بعد خود را تهبیز کرده و از نیروهای ذخیره اش استفاده بکند و با دشمن درگیر شود؟ فرانسه در هر شرایطی در دنیا اگر در مرزهای خودش نتواند راه را بر دشمن ببندد بی شک محکوم به شکست خواهد بود، زیرا شرایط فرانسه بسیار خفلی از کشورها فرق دارد. بنابراین تکیه بر نیروی ناچیز و محدود یک ارتش منظم در زمان صلح و بهره جستن از نیروهای شبه نظامی برای تقویت آن در زمان درگیری و نبردهای برون مرزی، برای همه کشورها راه حل اساسی دیگر تعیین تعداد افراد ارتش و قدرت نوع آتش آن و پراکندگی و محل استقرار پادگانها در سطح کشور مسئله ایست نهایت مهم که باید متخصصان امور نظامی در باره آن تصمیم بگیرند.

این درست است که در اختیار داشتن یک ارتش منظم به نسبت بزرگ از نظر اقتصادی مشکلاتی را برای اغلب کشورها بوجود میآورد، ولی باید به نحوی عمل کرد و آن چنان وضعی را برای سازمان ارتش بوجود آورد که این ارتش در طول زمان صلح با استفاده از نیروئی که در اختیار دارد بتواند در جهت بالا بردن قدرت تولید جامعه و توان دادن به حرکت های عمرانی آن استفاده برد، نه آنکه تمامی آن بصورت یک نیروی مجهز برای روز مبادا بدون مشارکت

در سازندگی کشور در سربازخانه ها مستقر باشند. بطور مثال کارخانه های نظامی وجود دارند که میشود با تغییر بخشی از واحدها و قسمتهای آنها، کارخانه های راکت تا دیروز گلوله و زنجیر تانک میساخت به واحدی تبدیل کرد که قطعات و زنجیر تراکتور بسازد و زمانی که ضرورت ایجاد کرد خیلی سریع آن را بوضع نخست باز گردانند.

این همه بر میگردد باینکه توان علمی جامعه در کل بالا برود و شناخت تکنولوژیکی جامعه به حدی برسد که قدرت آفرینش و خلاقیت پیدا کند و بتواند با برنامه ریزی های اصولی ارتش را امکاناتش آگاهانه بهره بگیرد. ما به اجبار باید در زمینه بالا بردن قدرت تکنولوژییمان در تمامی زمینهها و از جمله جنگ افزارها بدلائیل متعدد تلاش کنیم. چرا که در زمینه نظامی هیچ سرزمینی نیست که بتواند تنها در قالب مصرف کننده سلاح نظامی باقی بماند و توان دفاع از استحکاماتش را در هر زمانی داشته باشد. ما اگر نتوانیم در راستای ایجاد یک قدرت تکنولوژی معقول نظامی با توجه به امکانات ملی خود گام برداریم باید ببینیم که برای ابد باید به مسئله وابستگی تن در دهیم و این چیزی نیست که تنها با شعار بتوان از بند آن رهایی یافت.

بخاطر بیابوریم که

جکسلواکی، بلژیک و اسرائیل با توجه به کوچک بودن سرزمین و محدودیت های دیگر، امروز از قدرتهای قابل توجه در زمینه تولید سلاحهای نظامی بشمار میروند. بنابراین اگر برنامه ریزی صحیح وجود داشته باشد ما قادر بر آن خواهیم بود تا در بسیاری از زمینهها از کوچکترین تا بزرگترین جنگ افزارها، وابسته به غرب و شرق نیاشیم.

ما اگر واقعیتها را درک نکنیم با سرزمین خواهیم خورد، باید توان این جامعه را بالا برد. باید قدرت این را پیدا کرد که این جو دو راز آفرینش را دگرگون ساخت و این ملتی را که فرهنگش از دیر باز فرهنگ خلاقیت بوده (امیدوارم نکوئید که طاغوتی هستم من مخلص فرهنگ دیر پای ایرانم و بآن افتخار میکنم) بخود متکی ساخت و عواملی که این قدرت آفرینش را از او گرفته اند و بصورت برده و بند تمام عیار غریب در آورده اند از میان برداشت، بنابراین اگر ارتش ما مثل صنعتیمان، مثل کشاورزیمان نتواند از یک جامعه سازنده و فعال و پرتوان در زمینه آفرینش مسائل تکنولوژی بهره مند شود، بی شک توان نظامی ما در حدی نخواهد بود که بتواند از استقلال و آزادی و سربلندی ملتمان در تمامی جهات دفاع کند.

ما و خوانندگان

مشهد - آقای عبداله میرزنجانی نامه مفصل شما تحت عنوان: "احترام چه بندیم چون آن کعبه نه اینجاست" در سنی چه کوشش چوارمروه صفا رفت رسید از اینکه شما را بموجب حکم شماره ۱۰۲۲۵۰ ۵۸/۱۲/۲۷ بدون رعایت عدل و انصاف "باز نشسته کردند متأسفیم. نظر اداره کل آموزش و پرورش استان خراسان را به بررسی مطالب و خواسته های شما مطوف میداریم. تهران - آقای م - ح سالم - آمار قابل ملاحظه ای از پیوند مجلس یا که آیا اسلامی است یا ملی تهیه کرده اند و واقعاً رحمت شما شایان تقدیر است ما معتقدیم که بنایه قانون اساسی نام مجلس، مجلس شورای ملی است. تهران - آقای مسلم حنیف - نامه سرگشاده شما را به آقای فخرالدین حجازی خواهیم داد مطالبی را که طرح نموده اید مسائلی است که خود ایشان بایستی جواب میدهند امیدواریم سکوت نفرمایند و پاسخ شما را بدهند. قزوین - آقای هوشنگ احمدیان - ما و نویسنده مقاله "تمدن و تاریخ را چگونه می بینیم" از شما تشکر می کنیم و اما در مورد سرود ایران تا آنجا که بیاد دارم سرود ایران اول بار با صدای آقای بنان از رادیو بخش شد. شیرگاه - آقای سید محمد قاضی - نامه سرگشاده شما بعنوان آقای فخرالدین حجازی بما رسید.

سخن از مهمانی چند سال پیش کرده اید که در آن آقای حجازی و تنی چند از اعضا هیئت تحریریه روزنامه خراسان مهمان شما بوده اند و نظریات آقای حجازی در مورد "شاهنشاه و شهبانو" شما در مورد مقاله "اهم از حال تقطع الجبال" سؤال کرده اید کدام رجال؟! رجالی که نان را به نرخ روز می خوردند. شما از ایشان سؤال کرده اید آیا بخاطر دارید که در مدت سردبیری روزنامه خراسان و روزنامه هیرمند در موقع تشریف فرمائی و مراسم آنچنانی چه قالیاتی می نوشتید؟ دوست عزیز شاید هم واقعا "یادشان رفته باشد و شاید اساساً این آقای حجازی آن آقای فخرالدین حجازی مورد نظر شما نباشد!!

سردرگمی اقتصادی ضمیمه فاشیسم ...

در این بینابین شل و سفت کردن بانکها برای تخلیه این بار شبه الکتریکی جالب بود. متولیان بانکهای ملی شده بسیار مورقانه و امه های کارکنان را بفرموده بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ تومان کاهش دادند و طرحهای مصوبه سال ۵۸ را باطل اعلام کردند. سزای خوش باوران را آنچنان دادند که ضمن بطلان وامهای ۵۰۰ و ۲۰۰ تومانی با ضابطه ۳۰۰ تومان آنها را به صفوف متقاضیان جدید فرستادند. این است عدالت اجتماعی. البته این در شرایطی است که قیمتها ۴۰٪ افزایش یافته است. ولی یکی دو بانک آمدند، وامهای مصوبه سال ۵۸ را ۲ ماه تمدید کردند. کارمندان بانکهای ملی شده هر چه ناله کردند و دلیل و مدرک نشان دادند، اثر نکرد و با هزار فریاد باز ای اکنون در خرداد ماه شروع کرده اند به اعطاء ۳۰۰ تومان وام، که تازه منادی بلند شده خرید و فروش ممنوع "از آنطرف وام کم شده، از این طرف قیمتها

افزایش یافته است. در این بینابین شل و سفت کردن بانکها برای تخلیه این بار شبه الکتریکی جالب بود. متولیان بانکهای ملی شده بسیار مورقانه و امه های کارکنان را بفرموده بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ تومان کاهش دادند و طرحهای مصوبه سال ۵۸ را باطل اعلام کردند. سزای خوش باوران را آنچنان دادند که ضمن بطلان وامهای ۵۰۰ و ۲۰۰ تومانی با ضابطه ۳۰۰ تومان آنها را به صفوف متقاضیان جدید فرستادند. این است عدالت اجتماعی. البته این در شرایطی است که قیمتها ۴۰٪ افزایش یافته است. ولی یکی دو بانک آمدند، وامهای مصوبه سال ۵۸ را ۲ ماه تمدید کردند. کارمندان بانکهای ملی شده هر چه ناله کردند و دلیل و مدرک نشان دادند، اثر نکرد و با هزار فریاد باز ای اکنون در خرداد ماه شروع کرده اند به اعطاء ۳۰۰ تومان وام، که تازه منادی بلند شده خرید و فروش ممنوع "از آنطرف وام کم شده، از این طرف قیمتها

افزایش یافته است. در این بینابین شل و سفت کردن بانکها برای تخلیه این بار شبه الکتریکی جالب بود. متولیان بانکهای ملی شده بسیار مورقانه و امه های کارکنان را بفرموده بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ تومان کاهش دادند و طرحهای مصوبه سال ۵۸ را باطل اعلام کردند. سزای خوش باوران را آنچنان دادند که ضمن بطلان وامهای ۵۰۰ و ۲۰۰ تومانی با ضابطه ۳۰۰ تومان آنها را به صفوف متقاضیان جدید فرستادند. این است عدالت اجتماعی. البته این در شرایطی است که قیمتها ۴۰٪ افزایش یافته است. ولی یکی دو بانک آمدند، وامهای مصوبه سال ۵۸ را ۲ ماه تمدید کردند. کارمندان بانکهای ملی شده هر چه ناله کردند و دلیل و مدرک نشان دادند، اثر نکرد و با هزار فریاد باز ای اکنون در خرداد ماه شروع کرده اند به اعطاء ۳۰۰ تومان وام، که تازه منادی بلند شده خرید و فروش ممنوع "از آنطرف وام کم شده، از این طرف قیمتها

مشهد - آقای عبداله میرزنجانی نامه مفصل شما تحت عنوان: "احترام چه بندیم چون آن کعبه نه اینجاست" در سنی چه کوشش چوارمروه صفا رفت رسید از اینکه شما را بموجب حکم شماره ۱۰۲۲۵۰ ۵۸/۱۲/۲۷ بدون رعایت عدل و انصاف "باز نشسته کردند متأسفیم. نظر اداره کل آموزش و پرورش استان خراسان را به بررسی مطالب و خواسته های شما مطوف میداریم. تهران - آقای م - ح سالم - آمار قابل ملاحظه ای از پیوند مجلس یا که آیا اسلامی است یا ملی تهیه کرده اند و واقعاً رحمت شما شایان تقدیر است ما معتقدیم که بنایه قانون اساسی نام مجلس، مجلس شورای ملی است. تهران - آقای مسلم حنیف - نامه سرگشاده شما را به آقای فخرالدین حجازی خواهیم داد مطالبی را که طرح نموده اید مسائلی است که خود ایشان بایستی جواب میدهند امیدواریم سکوت نفرمایند و پاسخ شما را بدهند. قزوین - آقای هوشنگ احمدیان - ما و نویسنده مقاله "تمدن و تاریخ را چگونه می بینیم" از شما تشکر می کنیم و اما در مورد سرود ایران تا آنجا که بیاد دارم سرود ایران اول بار با صدای آقای بنان از رادیو بخش شد. شیرگاه - آقای سید محمد قاضی - نامه سرگشاده شما بعنوان آقای فخرالدین حجازی بما رسید. سخن از مهمانی چند سال پیش کرده اید که در آن آقای حجازی و تنی چند از اعضا هیئت تحریریه روزنامه خراسان مهمان شما بوده اند و نظریات آقای حجازی در مورد "شاهنشاه و شهبانو" شما در مورد مقاله "اهم از حال تقطع الجبال" سؤال کرده اید کدام رجال؟! رجالی که نان را به نرخ روز می خوردند. شما از ایشان سؤال کرده اید آیا بخاطر دارید که در مدت سردبیری روزنامه خراسان و روزنامه هیرمند در موقع تشریف فرمائی و مراسم آنچنانی چه قالیاتی می نوشتید؟ دوست عزیز شاید هم واقعا "یادشان رفته باشد و شاید اساساً این آقای حجازی آن آقای فخرالدین حجازی مورد نظر شما نباشد!!

کتابخانه - سه شنبه - پنجشنبه - منتشر میگردد

۱۳۵
۲
دیکران
ذشت و
بیدهد
قول و
وسلیقه
چیز
نقلاب
معرفی
ط برای
خفان
باز و
جرت
کنید.
را خفه
می را
دل
نوشت
حساس
ز آنکه
همگی
خیزیم
ه غصه
بهره و
مملکت
یستند
سپید
می
نگین
وزارت
نی را
بود
امتیاز
طرف
به
اکثر
بخت
منتشر
حزب
اران
براف
دند
ردند
چماق
یک
هند.
مناق
بیات
ناید
حیات
نهمه
همان
سل
ولی
می
ش که
تانی
ری
رژیم
گذار
مناق
سنتاق
کرد،
ان
جای
نگ
نام
در
ود
وزی
پاری
اری
که
ترین
د که
طبق
فاگر
نظر
نیم و
سی
سلاح
سلام
همه
لاقل
ین
عدل
دین
...

صاحب امتیاز: دکتر مهدی آذر
مدیر مسئول: اصغر پارسی
نشانی: خیابان گارگر (سیمتری) نزدیک میدان انقلاب
تلفن: ۹۲۱۲۰۰

حسن آیت توطئه گری که ...

استعمار کهنه انگلیس بگذارد. هم در انقلاب مشروطیت و هم در دوران نهضت ملی ایران توطئه های خطرناکی با نقشه های حساب شده بین قشر روحانی مبارز و روشنفکران متعهد و مسئول شگاف انداخت و با تفرق نیروهای ملت، حکومت

دشمن ملحق کرد. عناصری مانند شمس قنات آبادی که بلباس روحانیت نیز ملبس بودند و سید مهدی میراشرافی لاستیک دزدی که جز پول و جنایت چیز دیگری نمی شناخت همراه افرادی مانند جهانگیر - تفضلی که سرسپرده دستکاهی جاسوسی انگلستان بودند با همکاری اشخاصی مانند دکتر مظفر بقائی کرمانی که از راه ملت منحرف شده و بطمع مال و مقام در صف دشمن قرار گرفته بودند به دور آیت الله کاشانی حلقه زدند و او را به دوستی و همکاری با سرلشکر فضل اله زاهدی و سایر عناصر و عوامل استعمار انگلستان کشاندند.

اختلاف و جدائی بین دکتر مصدق و آیت الله کاشانی صدمه اساسی به نهضت ملی ایران وارد ساخت ولی این مصدق نبود که از آیت الله کاشانی فاصله گرفت، بلکه آیت الله کاشانی بود که از مصدق و نهضت ملی ایران جدا شده و در صف دشمنان ملت قرار گرفت و دست در دست فضل اله زاهدی قسمتی از نقشه های مشترک امپریالیسم آمریکا و انگلستان را برای سقوط حکومت ملی دکتر مصدق بموقع اجرا گذاشت.

تجربه ایلم غرب که چنین گروه گرانیها را در سال قبل در برابر نهضت بزرگ ملت ایران آندوخته است بدون شک این تجربه را باید برگزیده است و برای مبارزه با دشمنان و عوامل استعمار انگلستان و آمریکا و نهضت ملی ایران باید از روشنفکران متعهد و مترقی از روشنفکران متعهد و مسئول و عناصر آگاه جامعه بکوشش پرداخته و تاکنون نیز توفیق بسیار یافته است.

اصولاً این نظریه که جامعه را به دو قشر مذهبی و روشنفکر تقسیم کردن و آنان را روبروی یکدیگر قرار دادن و یکی را برای نابودی دیگر مجهز ساختن شیوه اصلی و اساسی استعمارگران جهانی است.

نوارهای حسن آیت و روش او در یکسال اخیر نشان میدهد که این شخص در مرکز چرخ

جوانان آذربایجانی

پیروزی انقلاب بوده است تا انقلاب با دادن جان هزاران تن از جوانان پیروز شده و آنگاه بشما بگویند آفتابان بفرومائید هلو حاضر است بگذارید در گلو و یا بگویند آقای آیتها چون جای شاه مخلوع خالیست شما جانشین ایشان باشید و بر تخت سلطنت بنشینید در مطبوعات گفته اند این دونوار سنداقتار من است پس تمام نسند.

انقلابیون که بر علیه جمهوری اسلامی توطئه کرده و دستگیر و اعدام شده اند اعمال خلافشان سند افتخارشان نیز هست چرا که فرقی نیست میان توطئه شما و آنان که هر دو علیه جمهوری اسلامی انجام گرفته است و در جانی گفته اند زبان لال اگر امام بمیرد آیت الله منتظری را به جای ایشان می گذاریم و اراجیف دیگر از قبیل

ج - اولاً " هنوز کسی نمرده شما خیرات میدهد و جانشین تعیین می کنید آیت الله

خط جبهه ملی!

و افراد جبهه ملی ایران در کوره حوادث چنان آبدیده شده اند و در ارزشیابی مسائل از چنان تجربه و پشتوانه برخوردارند و ملت ایران در مقام قضا از چنان هوشمندی و منطق شناسی سرشار است که دسیسه پیمان شکنان و خائنان نهضت ملی ایران را در هم می شکنند و دستی که از آستین آیت در توطئه علیه جمهوری اسلامی و در ایراد اتهام جبهه ملی بدرآمده است از مرفق قطع خواهد کرد، از این دست خون می چکد

بحیه از صفحه ۱

تحریف شده، سانسور شده و نقطه چین شده است. چه بهتر، چرا که در صورت نقطه چین نبودن آنها نام همفکران شما نیز که پس از پیروزی انقلاب مراکز حساس حکومتی را اشغال نموده اند برملا گشته و بدتر از آن میشد که فعلاً هست.

۲ - گفته اند کسی که بر علیه جمهوری اسلامی توطئه کند باید اعدامش کرد. ج: این دیگر با مقامات مملکتی است و نمی دانیم چرا شما را به میز محاکمه نمی کشند آیا توطئه بر علیه اولین ریاست جمهوری و ناسزاگفتن به ابرمرد تاریخ ایران دکتر محمد مصدق که منظور از آن بیای خود نوشتن پیروزی انقلاب است توطئه علیه جمهوری اسلامی نمی تواند باشد

۳ - ادعا کرده اند روزنامه های انقلاب اسلامی و جبهه ملی خود توطئه کردند. ج: این بر ملت آشکار است که چه روزنامه های توطئه گر و تحریف کننده و کدام حقیقت نویسان است

۴ - گفته اند که ضد انقلابیون علیه من توطئه و سمپاشی میکنند و این حقانیت مرا ثابت میکند. ج: پس معلوم میشود هر که بر علیه اعمال خلاف شاهها حرف بزند ضد انقلاب است و حتماً میبایست بنا بنگفته جناب عالی آقای دکتر بنی صدر که با رأی اکثریت این ملت انتخاب شده اند و جبهه ملی که بنیانگذاران دکتر محمد مصدق فقید است ضد انقلاب خوانده شوند و شما انقلابی وارداتی که ملت ایران جناب عالی را از یکسال پیش به اینطرف آنهم

توطئه های قرار دارد و یکی از عناصر اصلی این دسیسه برای انحراف و نابودی انقلاب ایران است.

روابط او با دکتر بقائی کرمانی که از رهبران چنین توطئه های در سال ۱۳۳۲ محسوب میشود و شایعات و اطلاعاتی که درباره روابط حسن آیت در همان زمان با دکتر بقائی و سرلشکر فضل اله زاهدی و توماس انگلیسی و سایر عناصر وابسته به کودتا - چنان بر زبانها جاری است نقش تخریبی او را تایید میکند.

مانعیتوانیم حسن آیت را تنها عنصر چنین توطئه های بشمار آوریم، او که توانسته است عنوان دبیر سیاسی حزب جمهوری اسلامی را بدست آورد و در مجلس خبرگان و مجلس شورای ملی بعنوان نماینده ملت راه یابد بدون شک از حمایت عناصر حاکم بر حزب جمهوری اسلامی و سایر مراکز و گروه های وابسته و یا نا آگاه برخوردار است. حسن آیت و افرادی نظیر او سعی کردند که هر نوع رابطه انقلاب بزرگ بهمن ۵۷ را با نهضت ملی ایران قطع نمایند، رابطه ای که از نظر علمی و تاریخی وجود دارد و یکی از عوامل حدوث انقلاب و از موجبات تکامل و شکوفائی آنست.

آنان کوشش میکردند که مبارزات ملت قبل از سال ۱۳۴۲ را بفروشی بسپارند و از کنار کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به آرامی و بی سروصدا و لسی با سرعت بگذرند.

بسیاری از عوامل دست اندر کار کودتای ۲۸ مرداد به همکاری و خدمت با اینان پرداختند و اینان همگی بین انحصار طلبان و قدرت طلبان بعد از انقلاب و توطئه گرای کودتای ۲۸ مرداد بودند. کار بجائی رسید که سید مهدی میراشرافی فاسدترین مفسد فی الارض علمدار ارتباط های متعددی در داخل و خارج کشور گردیده بود. اگر قدرت عمل و سرعت اقدام حجت الاسلام امیندجف آبادی نبود چه بسا امروز میراشرافی یکی از تصمیم گیرندگان سیاست مملکت

دکتر مدنی: نفت، بالاترین سرمایه ایران در حال از بین رفتن است

مدارک دیده ایم و بهتر از این میشد بود و میشود بود. چگونه میشود گامی بجلو برداشت، بهتر و عالیتر برنامه ریزند و برنامه گذارند که هر چیزی حساب و کتاب داشته باشد، همینطوری هیچ چیز درست نمیشود. این از لحاظ منابع انرژی که نفتش را عرض کردم. از لحاظ گاز هم یک کوتاه سخنی میگویم که منابع گاز ۳۵۰۰ میلیون میلیون فوت مکعب است در تمام جهان که در حدود ۴۰۰ میلیون میلیون فوت مکعب آن را ایران دارد و منابع کنگان را که اخیراً کشف شده و پیش بینی میشود که احتمالاً ۲۰۰ میلیون میلیون فوت مکعب باشد با این آمار اضافه نکرده ایم. اگر آن اضافه بشود ایران کشور است ۶۰۰ میلیون میلیون فوت مکعب گاز دارد. یعنی گاز همه جهان و گازی که از ذخائر خیلی مهم جهان است. و از زمانیکه آنجا که میدان استند چی کجا هست و برای استعمار و استعمار وارد خاک ایران شدند برای تاریخ نفت میتوانیم چهار دوره را تقریباً قائل بشویم یک دوران استعمار و استعمار خواب و خواب آلودگی یک دوران قیام و بیداری یک دوران بی نیازی - دورانی نخست که

بسیرون میکنند. من آنوقت انگلستان بودم عکسها را که در روزنامه ها می دیدیم از فرط شادی اصلاً نمی دانستم چکار بکنیم این ما ایرانی ها هستیم که می رفتیم با آنها سلام می کردیم جوابان را نمی دادند مثل سگ با ما رفتار میکردند حالا این مرد بلند شده و دارد اینها را بیرون میکند. دهه ۱۹۵۰ معجزه بود شوخی نبود با امپراطوری انگلستان چنگیدن. و این مناسبت امروز یعنی روز خلع یسد در تاریخ جهان درخشندگی دارد. امروز فقط در تاریخ ایران درخشندگی ندارد، اینکاری که دکتر مصدق در ۱۳۳۰ کرد این در تاریخ جهان منبلسر است و به همین مناسبت آنرا گرامی میداریم. در دوران دوم که بعد از خلع یسد شروع میشود یعنی دوران آگاهی و تسلط دارندگان نفت. قبلی صاحبان نفت نه نظارتی بر استخراج داشتند نه نظارتی بر فروش داشتند نه نظارتی بر بازاریابی داشتند هیچ هیچ. صدقه سری یک چیزی بهشان میدادند و بعنوان فرمانروایان آن کشور هم تشریف داشتند استناد را ارزانی میدادند اگر استنادی برای خوزستان بایست انتخاب بشود باید اول سفارت انگلیس اجازه بدهد اگر نخست وزیر

میخواست انتخاب بشود می - بایست سفارت انگلستان اجازه بدهد اگر ایران میخواست قانون از مجلس بگذراند باید اول سفارت انگلستان اجازه بدهد اینها بلاهاتی بود که ما گذراندیم و آن روزگاران این مرد قیام کرد در آن روزگاران این مرد بیبا خاست و این ملت را از اسارت نجات داد: دکتر مدنی اضافه کرد: و اما این سازمان سیای آمریکا است که می آید و پسر رضا خان را به ما تحمیل می - کند و کودتای تنگین ۲۸ مرداد را بیا می کند و با زیران به سرایش سقوط می افتد و مصدق آن مرد بزرگ تاریخ بزرگان میافتد و این جای نا تراست که می بینیم کسانی که خدمتگزار ایرانند در طول تاریخمان هنوز نشکفته بربر میشوند و آن هائیکه پلیدند و کثیف اند اینها پایدارند.

افکند بخصوص بر ایران زمین. آن اصل پنجاه، پنجاه بوجود آمد نظارت ها بوجود آمد کم کم روبروئی با استثمارگران بوجود آمد صاحبان نفت، دارندگان نفت اینها دوره ها جمع شدند با هم اتحادیه ها بوجود آوردند اگر او یک سازمان کشورهای صادرکننده نفت بوجود آمد اگر این کشورها دور هم جمع شدند اینها تا قبل و حتی در زمان انقلاب مصدق نبودند روزیکه دکتر مصدق نفتش را بروی خارجی ها بست هنوز این واگرائی ها بود. عراق کویت و قطر و عربستان - سعودی نفتشان را زیاد کردند و آن نفتی را که ایران نمیداد اینها جبران کردند و نتیجتاً " غرب از بستن نفت ایران زیان ندید. در حالیکه اگر هم بستگی بین کشورهای استثمار زده وجود داشت و فریاد رس هم بودند نه کویت نفتش را زیاد میکردند عراق زیاد میکرد نه عربستان سعودی، آنوقت غرب حس میکرد آن ضربه ای را که صادرات دکتر مصدق تو میزبان زده بود. آنوقت احساس دردی داشت اما اینها باعث شدند بهره مند بشود و در دوران دوم این خبرها نبود دورانی که انقلاب شادروان دکتر محمد مصدق در سراسر گیتی پرتو

در این زمین بیان داشت و آنگاه اینطور ادامه داد: از فرهنگ و دانش و پیشرفت و ملکات اخلاقی بکنند گزائی است یعنی تکنیک روز راجذب کردن و باتکنیک روز پیش رفتن در این مرحله اگر دیروز امروز یکی بود گفتمان نعمت کرده ایم بود مسلمان نیستیم " کل یوم هوفی شان " باید با روز پیش برویم اگر مستمر با روز پیش نرفتیم ما بدست خودمان از نعمات الهی محروم مانده ایم دیروز فقط یک جانب از نفت استفاده میشد تکنیک دیروز محدود بود تکنیک امروز یک گامی فراتر رفته چند جانبی است یعنی از زائده ها استفاده می کنیم تکنیک فردا چندین جانبی است و بسیاری استفاده های دیگری خواهیم کرد که امروز نکرده ایم. در پایان سخن آرزو مندم خداوند به همه ما این عنایت را بدهد که بیشتر احساس مسئولیت کنیم و آرزو مندیم خداوند بر رهبر انقلاب و به ملت ایران در راه برومندی انقلاب اسلامی و مردمی ملت ایران توفیقات بیشتری را عنایت کند.